

شماره ۷۵۶-۶

تاریخ ۹ - ۱۲۱ - ۱۳۸۰

پیوست ۲۵ برگ



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

بیت‌المال

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

شماره ثبت: ۲۲۱/۱۱/۸۰ صبح

تاریخ ثبت: ۱۰/۲/۸۰ عصر

اقدام کننده:

ش. ا. ق. م. ن.

شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۲۲۲۱۸/۱۳۴۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۵/۱۶ دولت در خصوص موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد که در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ ۱۳۸۰/۲/۳ مجلس شورای اسلامی عیناً به تصویب رسیده است، در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می شود.

مهدی کروبی

رئیس مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۵۶ - ۳

شماره

تاریخ ۹ - ۱۲۱ - ۱۳۸۰

پیوست

بسم الله تعالی

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

شماره ثبت: ۸۰۸۱۶۲۱ صبح

تاریخ ثبت: ۸۱ ۲ ۱۵ عصر

اقدام کننده:

شماره ثبت: ۷

لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و
دولت جمهوری عربی سوریه به منظور اجتناب از اخذ
مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد
مالیاتهای بر درآمد

ماده واحده - موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد مشتمل بر یک مقدمه و بیست و هشت ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری
عربی سوریه به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و
جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه:

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم قلمرو یکی از دولتهای متعاقد یا

بیتالی

هر دوی آنها باشند.

ماده ۲ - مالیاتهای موضوع موافقتنامه:

۱- این موافقتنامه شامل مالیاتهای بردرآمدی است که صرفنظر از نحوه وضع آنها، از سوی یک دولت متعاقد یا مقامهای محلی آنها وضع می‌گردد.

۲- مالیاتهای بردرآمد عبارتند از کلیه مالیاتهای متعلقه به کل درآمد، یا اجزای درآمد از جمله مالیات عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات برکل مبالغ پرداختی مؤسسه تجاری بابت دستمزد یا حقوق، و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای فعلی مشمول این موافقتنامه بخصوص عبارتند از:

الف - در مورد جمهوری اسلامی ایران؛

- مالیات بردرآمد؛

- مالیات بر درآمد اضافی وضع شده در حال حاضر یا آینده به عنوان درصدی از مالیاتهای فوق‌الذکر یا به هر شکل یا نرخ دیگر.

(که از این پس مالیات جمهوری اسلامی ایران نامیده می‌شود).

ب - در مورد جمهوری عربی سوریه:

۱- مالیات بردرآمد منافع تجاری، صنعتی و غیر تجاری؛

۲- مالیات بر درآمد حقوق و دستمزد؛

۳- مالیات بر درآمد غیر مقیمان؛

۴- مالیات بر درآمد، از درآمد سرمایه‌های منقول و غیر منقول؛

۵- مالیات بر درآمد اضافی وضع شده در حال حاضر یا آینده، به عنوان درصدی از

مالیاتهای فوق‌الذکر یا به هر شکل یا نرخ دیگر.

(که از این پس مالیات جمهوری عربی سوریه نامیده می‌شود).

تعالی

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهای یکسان یا اساساً مشابهی که مطابق با تعریف بند (۱) این ماده علاوه بر مالیاتهای موجود یا به جای آنها، بعد از امضاء این موافقتنامه وضع شود نیز خواهد بود.

مقامهای ذی صلاح دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی، از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، یکدیگر را مطلع خواهند نمود.

ماده ۳ - تعاریف کلی:

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضاء نماید:

الف - اصطلاح «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» بنا به اقتضاء متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری عربی سوریه اطلاق می شود.

ب -

۱- اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود.

۲- اصطلاح «سوریه» مشعر است به جمهوری عربی سوریه به مفهوم جغرافیایی آن که اطلاق می گردد به قلمرو جمهوری عربی سوریه شامل دریای سرزمینی، صخره های قاره ای، زیر خاک، فضای هوایی بالای آن و کلیه سایر مناطق برون دریای سرزمینی سوریه که طبق حقوق بین الملل، سوریه به منظور استخراج و بهره برداری از منابع طبیعی، حیاتی و معدنی و حقوق حاکمیتی خود و کلیه سایر حقوق در آب، خشکی و بستر دریا، را در آن اعمال می کند.

پ - اصطلاح «شخص» شامل شخص حقیقی، شرکت یا سایر انواع اشخاص می باشد.

ت - اصطلاح «شرکت» اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از

تعلات

لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می گردد.

ث - اصطلاح «دفتر ثبت شده» به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد می باشد.

ج - اصطلاحات «مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد» و «مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر» به ترتیب اطلاق می شود به مؤسسه تجاری که به وسیله شخص مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه تجاری که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می شود.

چ - اصطلاح «حمل و نقل بین المللی» اطلاق می گردد به هرگونه حمل توسط کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای که توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد انجام می شود، به استثناء مواردی که کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای صرفاً بین مکانهای واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شود.

ح - اصطلاح «مالیات» به کلیه مالیاتهای مشمول ماده (۲) این موافقتنامه اطلاق می شود.

خ - اصطلاح «تبعه» اطلاق می گردد:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاقد باشد.

- هر شخص حقوقی، که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب نماید.

د - اصطلاح «مقام صلاحیتدار» اطلاق می شود:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز

او.

- در مورد سوریه، وزیر دارایی یا نماینده مجاز او.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، بجز مواردی که اقتضاء سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد، آن معنایی را خواهد داشت که طبق قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه دارد.

تعالیه

ماده ۴ - مقیم:

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» اطلاق می شود به هر شخصی که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت یا سایر معیارهای مشابه، مشمول مالیات آنجا باشد.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف - او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن محل سکونت دایمی در اختیار داشته باشد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دایمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که با آن روابط شخصی و اقتصادی نزدیکتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا اگر در هیچ یک از دو دولت محل سکونت دایمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاقد به سربرد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت - هرگاه او تابعیت هر دو دولت را داشته باشد یا تبعه هیچ یک از آنها نباشد، مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد موضوع را با توافق دو جانبه فیصله خواهند داد.

۳- در صورتی که، حسب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده اش در آن واقع است.

ماده ۵ - مقرر دایم:

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقرر دایم» اطلاق می شود به محل ثابت شغلی، که



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۵۶

تاریخ ۱۳۸۰/۲/۹

پیوست

بیتالی

از طریق آن، مؤسسه تجاری کلاً یا جزئاً فعالیت شغلی دارد.

۲- اصطلاح «مقر دایم» بخصوص شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره؛

ب - شعبه؛

پ - دفتر؛

ت - کارخانه؛

ث - کارگاه؛

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره‌برداری یا

استخراج از منابع طبیعی.

۳- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت نصب یا سوار نمودن ساختمان یا فعالیتهای

مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن «مقر دایم» محسوب می‌شوند لکن فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتها بیش از دوازده ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، فعالیتهای مشروحه ذیل مؤسسه تجاری یک

دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر به عنوان فعالیت از طریق یک «مقر دایم» تلقی نخواهد شد:

الف - استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای

متعلق به مؤسسه تجاری.

ب - نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه تجاری فقط به منظور

انبار کردن یا نمایش.

پ - نگهداری موجودی اجناس یا کالای متعلق به مؤسسه تجاری تنها به منظور

آماده‌سازی آنها توسط مؤسسه تجاری دیگر، به حساب مؤسسه تجاری مقدم‌الذکر.

ت - نگهداری محل ثابت شغلی صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا جمع‌آوری

اطلاعات برای آن مؤسسه تجاری.

تعلیه

ث - نگهداری محل ثابت شغلی فقط به منظور انجام سایر فعالیتهایی که دارای جنبه تمهیدی یا کمکی برای مؤسسه تجاری باشد.

ج - نگهداری محل ثابت شغلی تنها به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیبات، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، در صورتی که شخصی (به غیر از نماینده دارای وضعیت مستقل، که مشمول بند «۶» می‌باشد) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه تجاری فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و آن را به طور معمول اعمال نماید، آن مؤسسه تجاری در مورد فعالیتهایی که آن شخص برایش انجام می‌دهد دارای مقر دایم در آن دولت تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیتهای این شخص محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که به موجب مقررات بند مذکور چنانچه از طریق یک محل ثابت شغلی نیز انجام گیرند، این محل ثابت شغلی را به یک مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

۶- مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق یک حق‌العملکار، دلال یا هر نماینده مستقل دیگر به انجام امور می‌پردازد، دارای مقر دایم در آن دولت متعاقد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات این اشخاص در حدود معمول فعالیت خود آنها باشد.

مع ذلک، هرگاه فعالیتهای چنین نماینده‌ای به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تجاری تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این نماینده و آن مؤسسه تجاری در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به عنوان یک نماینده دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- این واقعیت که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است، شرکتی را که مقیم دولت متعاقد دیگر باشد یا در قلمرو آن فعالیت می‌کند، کنترل کند یا به وسیله آن کنترل شود (خواه



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۵۶-۵

تاریخ ۹ - ۱۲ / ۱۳۸۰

پیوست

تعالیه

از طریق یک مقر دایم و خواه به نحو دیگر) فی نفسه کافی نخواهد بود که یکی از آنها مقر دایم دیگری تلقی شود.

ماده ۶ - درآمد حاصل از اموال غیر منقول:

۱- درآمد حاصل از اموال غیر منقول (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری)، می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی شود که این اموال غیر منقول در آن واقع می باشد.

۲- از نظر این موافقتنامه اصطلاح «اموال غیر منقول» به موجب قوانین دولت متعاهدی که مال مورد بحث در آن قرار دارد، تعریف خواهد شد. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و وسایل مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات حقوق عمومی راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می گردد حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازاء کار یا حق کار، ذخایر معدنی، چاههای نفت یا گاز، معادن سنگ و سایر مکانهای استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتی ها، قایق ها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، استیجاری یا هر شکل دیگر بهره برداری از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- در صورتی که دارا بودن سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت، مالک این سهام یا حقوق شراکتی را محق به تمتع از اموال غیر منقول متعلق به آن شرکت نماید، درآمد ناشی از استفاده مستقیم، استیجاری، یا هر شکل دیگر این حق تمتع می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی که اموال غیر منقول در آن واقع است، شود.

۵- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول مؤسسه تجاری و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی

بیتان

مستقل نیز جاری خواهد بود.

ماده ۷ - منافع تجاری:

۱- منافع مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه تجاری در دولت دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن دولت امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه مؤسسه تجاری به طوری که در بالا ذکر شد فعالیت تجاری انجام دهد، منافع آن مؤسسه تجاری می تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود لیکن فقط آن قسمتی از آن که مرتبط با مقر دایم باشد.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت نماید، در هر یک از دو دولت متعاقد، آن منافع جهت مقر دایم منظور می گردد که اگر این مقر، مؤسسه تجاری متمایز و مجزا بود و همان فعالیتها یا مشابه آن را در همان شرایط یا شرایط مشابه انجام می داد و به طور کاملاً مستقلی با مؤسسه تجاری که مقر دایم آن می باشد معامله می کرد، ممکن بود تحصیل نماید.

۳- در تعیین منافع مقر دایم، هزینه های قابل قبول از جمله هزینه های اجرایی و هزینه های عمومی اداری (که چنانچه این مقر دایمی مؤسسه تجاری مستقل می بود قابل کسر بود) تا حدودی که این هزینه ها خواه در دولتی که مقر دایم در آن واقع است انجام پذیرد و خواه در جای دیگر، برای مقاصد آن مقر دایم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد.

۴- صرفاً به سبب خرید اجناس یا کالاها توسط مقر دایم برای مؤسسه تجاری، هیچ منفعی برای آن مقر دایم تخصیص نخواهد یافت.

۵- از لحاظ بندهای قبلی این ماده، منافع تخصیصی به مقر دایم به همان روش سال به سال تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته

بند

باشد.

۶- در صورتی که منافع شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مقررات آن مواد تحت تأثیر مقررات این ماده قرار نخواهد گرفت.

۷- در حالتی که در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین منافع قابل تخصیص به یک مقرر دایم براساس تسهیم کل منافع آن مؤسسه تجاری به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین منافع مشمول مالیات نخواهد شد. مع ذلک نتیجه روش تسهیمی متخذه می‌باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

ماده ۸ - حمل و نقل بین‌المللی:

منافع حاصله توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتی‌ها، قایق‌ها، هواپیماها یا وسایط نقلیه جاده‌ای در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۹ - مؤسسات شریک:

۱- در صورتی که:

الف - مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشد.

یا

ب - اشخاص واحدی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد و مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشند.

و در هر یک از دو مورد، شرایط مقرر یا وضع شده در روابط تجاری یا مالی بین این دو

تعلیه

مؤسسه تجاری، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات تجاری مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه منافی که می‌باید عاید یکی از این مؤسسات تجاری شده، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزو منافع آن مؤسسه تجاری منظور شده و متناسب با آن مشمول مالیات شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاهد منافی از مؤسسه تجاری آن دولت را محاسبه و متناسب با آن مشمول مالیات نماید که مؤسسه تجاری دولت متعاهد دیگر مشمول پرداخت مالیات در آن دولت متعاهد دیگر شده است و منافی که بدین ترتیب محسوب شده‌اند منافی باشند که چنانچه شرایط بین این دو مؤسسه تجاری، مانند شرایط میان دو مؤسسه تجاری مستقل بود عاید مؤسسه تجاری مقدم‌الذکر می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در مقدار مالیات آن منافع، تعدیل مناسبی را چنانچه تعدیل را موجه تلقی کند به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی می‌باید سایر مقررات این موافقتنامه لحاظ شوند و مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

ماده ۱۰ - سود سهام:

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد است به مقیم یک دولت متعاهد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع ذلک این سود سهام می‌تواند در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات خود، لکن در صورتی که دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از هفت درصد (۷٪) مبلغ ناخالص سود سهام، تجاوز نخواهد کرد. مقررات این بند در مالیات شرکت نسبت به منافی که سود سهام از آن پرداخت می‌شود، تأثیر نخواهد داشت.

۳- اصطلاح «سود سهام» به نحوی که در این ماده به کار می‌رود اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسان یا سایر حقوق

بیمه

(به استثناء مطالبات دیون)، مشارکت در منافع و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولتی که شرکت توزیع کننده درآمد، مقیم آن می باشد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دایم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد می باشد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر حاصل نماید، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با یک مقر دایم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات بر منافع تقسیم نشده شرکت نخواهد کرد. حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شوند.

ماده ۱۱ - هزینه های مالی:

۱- هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد و پرداخت شده به مقیم دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع ذلک، این هزینه های مالی می تواند در دولت متعاهدی که حاصل می شود، و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات گردد، لکن چنانچه دریافت کننده مالک منافع

تعلیقات

هزینه‌های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد و مکتمسبه توسط دولت، وزاتخانه‌ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهای که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می‌باشند، از مالیات دولت مقدم‌الذکر معاف خواهند بود.

۴- اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دیون، خواه دارای وثیقه باشد یا نباشد و خواه از حق مشارکت در منافع بدهکار برخوردار باشند یا نباشند، و بخصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه از جمله حقوق بیمه و جوایز مربوط به این‌گونه اوراق بهادار، اوراق قرضه و سهام قرضه اطلاق می‌شود. جرایم متعلقه برای تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دیونی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مربوط به این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد شد. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی زمانی حاصل در دولت متعاقد تلقی خواهد شد که پرداخت‌کننده خود آن دولت، مقام محلی، یا مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که شخص پرداخت‌کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد در ارتباط با درآمدی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، و این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت هزینه‌های مالی مذکور حاصل دولتی تلقی خواهد شد که این مقر دایم یا پایگاه ثابت در آن واقع است.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۵۶ - ۹
تاریخ ۱۳۸۰ / ۲ / ۹

لیوست

تعلیه

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص ثالث دیگر، مبلغ هزینه‌های مالی که در ارتباط با این مطالبات دیون پرداخت می‌شود بیش از مبلغی باشد که در صورت عدم وجود چنین روابطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد، مقررات این ماده فقط به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هریک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲ - حق الامتیازها:

۱- حق الامتیازهای حاصل در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع ذلک، این حق الامتیازها می‌تواند در دولت متعاقدی که حاصل می‌شود، و مطابق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات گردد، لیکن چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیشتر از هفده درصد (۱۷٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق الامتیاز» به نحوی که در این ماده به کار می‌رود اطلاق می‌شود به هر نوع وجوه دریافت شده به عنوان ما به ازاء استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرایند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیازها، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که حق الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقر دایم واقع در آن، فعالیت شغلی داشته باشد، یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که

تعلیقات

حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد جاری خواهد بود.

۵- حق الامتیاز زمانی حاصل در یک دولت متعاهد تلقی خواهد شد، که پرداخت کننده خود آن دولت، مقام محلی یا مقیم آن دولت باشد. مع ذالک در صورتی که، شخص پرداخت کننده حق الامتیاز، (خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاهد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد که در رابطه با آن مسؤلیت پرداخت حق الامتیاز تقبل شده است و این حق الامتیازها بر عهده این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این مورد این حق الامتیازها حاصل در دولت متعاهدی تلقی خواهند شد که این مقر دایم یا پایگاه ثابت در آن واقع می باشد.

۶- در صورتی که، به سبب رابطه خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص ثالث، مبلغ حق الامتیازی که بابت استفاده، حق یا اطلاعات پرداخت شده، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی توسط پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط راجع به مبلغ اخیرالذکر جاری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی ها بر طبق قوانین هر دولت متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳ - عواید سرمایه ای:

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) و واقع در دولت متعاهد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که قسمتی از اموال شغلی مقر دایم را که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد، تشکیل دهد یا اموال منقول

بیتان

شماره ۷۵۶ - ۶

تاریخ ۱۳۸۰ / ۲ / ۹

پیوست

متعلق به یک پایگاه ثابت که مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر در اختیار دارد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دایم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه تجاری) یا پایگاه ثابت می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتی ها، قایق ها، هواپیما، یا وسایط نقلیه جاده ای مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی ها، قایق ها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای، فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی خواهند بود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه در آن واقع است.

۴- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۳) فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل:

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات حرفه ای یا سایر فعالیت های مستقل، فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود مگر آنکه این شخص به منظور ارائه فعالیت خود پایگاه ثابتی به طور مرتب در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد. چنانچه چنین پایگاه ثابتی در اختیار داشته باشد، این درآمد می تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود ولی فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت می باشد.

۲- اصطلاح «خدمات حرفه ای» بخصوص شامل فعالیت های مستقل علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا پرورشی و همچنین فعالیت های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حسابداران می باشد.

ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیر مستقل:

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و

تعالیه

سایر حق الزحمه‌های مشابه که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود. چنانچه استخدام بدین ترتیب انجام شود، حق الزحمه حاصل از آن می‌تواند مشمول مالیات این دولت متعاقد دیگر شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق الزحمه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت مقدم‌الذکر خواهد بود مشروط بر آنکه کلیه شرایط زیر احراز گردد:

الف - جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سربرده است از ۱۸۳ روز که در هر مدت دوازده ماهه متوالی شروع می‌شود یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند.

ب - حق الزحمه توسط، یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود.

پ - حق الزحمه بر عهده مقرر دایم یا پایگاه ثابتی که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد، نباشد.

۳- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، حق الزحمه حاصل مرتبط با استخدام در کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی باشد که دفتر ثبت شده آن مؤسسه تجاری در آن واقع است.

ماده ۱۶ - حق الزحمه مدیران:

حق الزحمه مدیران و سایر پرداختهای مشابه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد در سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکتی که مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

تعلین

ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران:

۱- علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به‌عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند نمایش، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان یا به‌عنوان ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی انجام شده خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیت‌های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود عاید شخص دیگری غیر از خود آن هنرمند یا ورزشکار شود خواه وی مقیم یک دولت متعاقد باشد یا خیر، علی‌رغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵)، آن درآمد می‌تواند مشمول مالیات دولت متعهده‌ی که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گیرد، شود.

۳- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به‌عنوان هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی ارائه شده وی در دولت متعاقد دیگر، فقط مشمول مالیات دولت مقدم‌الذکر خواهد بود، مشروط بر آنکه آن فعالیت‌های انجام شده در دولت دیگر، عمدتاً توسط بودجه عمومی دولت مقدم‌الذکر، یا تقسیمات سیاسی یا مقام‌های محلی یا تشکیلات قانونی آنها تأمین شود.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی:

۱- با رعایت مقررات بند (۲) ماده (۹)، حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به‌ازاء خدمات گذشته، فقط در آن دولت و طبق قوانین داخلی آن مشمول مالیات می‌باشد.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حقوق بازنشستگی و سایر پرداخت‌هایی که یک دولت متعاقد به موجب قانون تأمین اجتماعی یا قانون استخدام کشوری می‌پردازد، فقط می‌تواند مشمول مالیات آن دولت شود.

بشکاف

ماده ۱۹ - خدمات دولتی:

۱- حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه (به‌غیر از حقوق بازنشستگی) پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن یا از محل صندوق ایجاد شده به وسیله آنها به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

مع ذلک، این حق‌الزحمه‌ها در صورتی فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود که این خدمات در آن دولت انجام شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولتی باشد که:

- تابعیت آن دولت را داشته باشد، یا

- صرفاً به منظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) در مورد حقوق و مقرری‌های بازنشستگی مربوط به خدمات انجام شده بابت فعالیت‌های شغلی انجام شده توسط یک دولت متعاقد یا یک مقام محلی آن جاری خواهد بود.

ماده ۲۰ - مدرسان و محصلان:

۱- وجوهی که محصل یا کارآموز شغلی که تبعه یک دولت متعاقد می‌باشد و فقط به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از دولت دیگر حاصل شود.

۲- همچنین، حق‌الزحمه‌ای که مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد می‌باشد و در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد و منظور اولیه، تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند باشد، از مالیات آن دولت دیگر بر حق‌الزحمه، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود مشروط بر آنکه

بیتالی

پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.
این بند در مورد درآمد حاصل از تحقیقاتی که اساساً برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص بخصوصی انجام می شود جاری نخواهد بود.

ماده ۲۱ - سایر درآمدها:

۱- ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که صریحاً در مواد قبلی این موافقتنامه ذکر نشده است فقط مشمول آن دولت خواهد بود مگر آنکه این گونه ارقام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند. چنانچه این ارقام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند، در این صورت می توانند مشمول مالیات آن دولت دیگر هم بشوند.

۲- به استثناء درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی نماید یا در آن دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در رابطه با آن حاصل شده است به طور مؤثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد مقررات بند (۱) جاری نخواهد بود. در این مورد مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد جاری خواهد بود.

ماده ۲۲ - حذف مالیات مضاعف:

در هر دو دولت متعاقد مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد شد:

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل می کند که، طبق مقررات این موافقتنامه، می تواند مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت مقدم الذکر اجازه خواهد داد که مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود. مع ذلک در هر یک از موارد، این گونه تخفیفات، از آن قسمت از مالیات بر درآمد، مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف، که حسب مورد مربوط به

تعلیه

درآمدی باشد که می تواند در آن دولت متعاقد دیگر، مشمول مالیات شود، بیشتر نخواهند بود.

۲- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، مع هذا این دولت متعاقد می تواند در محاسبه مبلغ مالیات بر باقیمانده درآمد مقیم مزبور، درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۳ - عدم تبعیض:

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوطی که اتباع دولت دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود.

۲- مالیات مقرر دائمی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، با مطلوبیت کمتری از مالیات مؤسسات تجاری آن دولت متعاقد دیگری که همان فعالیتها را انجام می دهند، وصول نخواهد شد.

۳- مؤسسات تجاری یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً، به طور مستقیم یا غیر مستقیم متعلق یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، در دولت مقدم الذکر، مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سوای یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوط به آن که سایر مؤسسات مشابه تجاری در دولت مقدم الذکر مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- این مقررات به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع تخفیفات شخصی، معافیتها و بخشودگی مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیتهای خانوادگی به مقیمان خود اعطاء می نماید به مقیمان دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

بیتالی

ماده ۲۴ - آیین توافق دوجانبه:

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد ملاحظه کند که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی باشد، صرف نظر از تدابیر پیش بینی شده در قوانین ملی آن دولتها، می تواند مورد خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاقدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مطابق بند (۱) ماده (۲۳) باشد، به مقام صلاحیتدار دولت متعاقدی که تبعه آن است تسلیم نماید. این مورد می باید ظرف دو سال از اولین اخطار اقدامی که منتج به اعمال مالیاتی شده که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی نتواند شخصاً به راه حل مناسبی برسد، خواهد کوشید که از طریق توافق دوجانبه با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر، به منظور اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد مورد را فیصله دهد. هر توافقی که به عمل آید، بدون در نظر گرفتن محدودیت های زمانی قوانین داخلی دولتهای متعاقد، اعمال خواهد شد.

۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد برای حل هرگونه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، به طریق توافق دوجانبه کوشش خواهند کرد و نیز می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد می توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کنند. مقامهای صلاحیتدار، به طریق مشاوره، از آیین ها، شرایط، روش ها و فنون دوجانبه مقتضی برای اجرای آیین های توافق دوجانبه پیش بینی شده در این ماده استفاده خواهند نمود.

۵- به منظور تحصیل منافع مندرج در مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۲) در یک دولت متعاقد، مقیمان دولت متعاقد دیگر (به جز در مواردی که مقامهای صلاحیتدار به طریق دیگری توافق نمایند) می باید برکه رسمی تأییدیه اقامت و تأییدیه اداره مالیاتی را که بخصوص حاوی نوع و مبلغ یا ارزش درآمد مربوط باشد، ارائه نمایند.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۵۶ - ۹

تاریخ ۹ - ۲۱ / ۱۳۸۰

پیوست

تعلیه

ماده ۲۵ - تبادل اطلاعات:

۱- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعاتی را که برای اجرای مقررات این موافقتنامه ضروری است یا قوانین داخلی دو دولت متعاهد را که به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه مربوط می باشد تا جایی که وضع مالیاتهای به موجب آن مغایر با این موافقتنامه نباشد با یکدیگر مبادله خواهند کرد. تبادل اطلاعات به ماده (۱) محدود نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می شود به همان شیوه ای که اطلاعات مکتسبه طبق قوانین آن دولت سری می باشد، سری خواهد بود و فقط برای اشخاص یا مقامها از جمله دادگاهها و تشکیلات اداری مرتبط با تشخیص، یا وصول، اجرا یا پیگیری، یا تصمیم گیری در مورد پژوهش خواهی های مربوط به مالیاتهایی که مشمول این موافقتنامه می باشند، افشاء خواهد شد. این اشخاص یا مقامها، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنها می توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی های دادگاههای عمومی یا تصمیمات قضایی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد چنین تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را

و ادار سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و عرف اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ

نماید.

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا رویه اداری متعارف خود یا دولت

متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشاء هر نوع اسرار تجاری، شغلی،

صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرایند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن خلاف سیاست

(نظم) عمومی باشد.

ماده ۲۶ - اعضاء هیأت های نمایندگی سیاسی و مناصب کنسولی:

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضاء هیأت های نمایندگی سیاسی یا مناصب

بیتالی

کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار می باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۷ - لازم الاجرا شدن:

- ۱- این موافقتنامه در هر یک از دولتهای متعاقد تصویب خواهد شد و اسناد تصویب آن در اسرع وقت مبادله خواهد شد.
- ۲- این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، لازم الاجرا و مقررات آن در موارد زیر نافذ خواهد شد:

- الف - در مورد مالیاتهای بر درآمد تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، حاصل می شود.
- ب - در مورد سایر مالیاتهای بر درآمد، به آن گونه از مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، شروع می شود.

ماده ۲۸ - فسخ:

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ شود، لازم الاجرا خواهد بود. هر یک از دولتهای متعاقد می تواند این موافقتنامه را از طریق معجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج ساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

- الف - نسبت به مالیاتهای بر درآمد تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل می شود.
- ب - نسبت به سایر مالیاتهای بر درآمد، به آن گونه مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی

تعلیه

شماره ۷۵۶ - ۹

تاریخ ۹ - ۱۲ / ۱۳۷۵

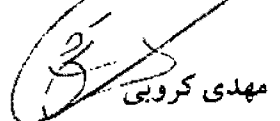
پیوست

که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع می‌شود.

بنا به مراتب فوق، امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به نحو مقتضی مجاز می‌باشند این موافقتنامه را امضاء نمودند. این موافقتنامه در دو نسخه در تهران، در تاریخ سی‌ام مرداد ۱۳۷۵ (۲۰ اوت ۱۹۹۶) به زبان انگلیسی تنظیم گردید. متن‌های فارسی و عربی با یادداشت کتبی از طریق سیاسی مبادله خواهند شد. هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردارند. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف	از طرف
دولت جمهوری عربی سوریه	دولت جمهوری اسلامی ایران

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و بیست و هشت ماده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ سوم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.


مهدی کروی
رئیس مجلس شورای اسلامی